



دوره ۵۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

صفحات ۵۲۳ تا ۵۴۱ (مقاله پژوهشی)

DOI:10.22059/JQCLCS.2022.315906.1643

کشف جرائم شرکت‌های تجاری در عرصه تولید و عرضه کالا و خدمات علیه مصرف‌کننده؛ چالش‌ها و راهکارها

سارا مشکین

دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

جلیل امیدی *

استاد گروه فقه شافعی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، ایران

روح‌الدین کردعلیوند

استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۳ - تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۱۲/۲۲)

چکیده

شرکت‌های تجاری به همان اندازه که می‌توانند سبب ایجاد رفاه برای مصرف‌کنندگان شوند، می‌توانند عامل ایراد صدمه به سلامت جسمی و حقوق مالی آنها شوند. با وجود نرخ بالای بزهکاری این شرکت‌ها در عرصه تولید و ارائه کالا و خدمات و فراوانی قربانیان، نرخ کشف جرائم ارتكابی، تعقیب و محکومیت آنها در نظام عدالت کیفری ایران بسیار پایین است. توسعه فعالیت شرکت‌های تجاری در فضای اینترنت، به‌ویژه در عرصه تجارت بین‌الملل، حرکت لاک‌پشتگونه نهادهای اجرای عدالت کیفری در رسیدگی به شکایات مصرف‌کنندگان و تمسک به ادله سنتی ناکارآمد را برنمی‌تابد. یافته‌های موجود حاکی از آن است که علل متعددی از جمله فقدان کنترل صحیح و نظام‌مند بر فرایند تولید و عرضه کالا و خدمات، عملکرد ضعیف و ناهماهنگ کنشگران کشف جرائم شرکتی، ابهام در وظایف مراجع قضایی و غیرقضایی، قدرت برتر شرکت‌ها در فرایند کیفری و ضعف و ناهماهنگی نهادهای نظارتی، موانعی جدی در مسیر کشف این جرائم تلقی می‌شوند. پژوهش حاضر کاربردی است و با رویکرد توصیفی-تحلیلی و مطالعات تطبیقی و انجام مصاحبه‌های عمیق و نیز مراجعه به اسناد مختلف از جمله رویه‌های قضایی، راهکارهایی را برای برون‌رفت از چالش‌های مذکور ارائه می‌دهد که اهم آنها عبارت‌اند از: شفاف‌سازی فعالیت شرکت‌ها و ارتقای سطح آگاهی مصرف‌کنندگان و هم‌افزایی نهادهای نظارتی متعدد و موازی.

واژگان کلیدی

جرائم شرکتی، کشف جرم، کالا و خدمات، مصرف‌کننده.

* jalilomidi@ut.ac.ir

ORCID iDs: <https://orcid.org/0000-0002-5430-761x>

مقدمه

تلفیق اصطلاح جرائم شرکت‌های تجاری با مفهوم جرائم علیه مصرف‌کننده، از جمله پیچیدگی‌های دنیای امروز بوده که مقتضی یافتن راهکارهایی برای حمایت از این قربانیان است. ارتکاب رفتارهای آسیب‌رسان از سوی شرکت‌های تجاری به‌نحو گسترده و فرامرزی، در کنار ویژگی‌هایی همچون به‌روز بودن و پیچیدگی ارتکاب این جرائم، موجبات رشد روزافزون مصادیق نقض حقوق مصرف‌کنندگان و ورود آسیب‌های عدیده بر افراد جامعه را فراهم می‌آورد.

شرکت‌های تجاری نقش اساسی در شکوفایی و پویایی نظام‌های اقتصادی دارند. امروزه سهم رقابت‌های تجاری در تقویت بنیه اقتصادی کشورها و موازنه مناسبات قدرت، به اندازه‌ای است که می‌توان نقشی برابر با رقابت‌های نظامی برای آن قائل شد. در این رقابت راهبرد اصلی شرکت‌ها، تسلط بیشتر بر بازار و کسب حداکثر سود است. اتخاذ چنین راهبردی ممکن است با نقض برخی هنجارهای حاکم در این حوزه همراه باشد و موجب پیدایش پدیده‌ای به نام جرم شرکتی شود. جرم شرکتی رفتاری خلاف قانون و مستوجب مجازات است که در بستر فعالیت شرکت‌های تجاری و در محدوده وظایف آنها با هدف انتفاع، قابل ارتکاب است (Geetha, 2015: 45).

جرائم شرکتی علیه حقوق مصرف‌کننده، اغلب جرم اقتصادی به‌شمار می‌آیند و از این لحاظ ویژگی‌های خاص خود را دارند (ابراهیمی، ۱۳۸۴: ۲۸۹). در فرهنگ حقوقی بلک، جرم اقتصادی یک جرم غیرفیزیکی است که برای تحصیل منفعت مالی یا امتیاز حرفه‌ای ارتکاب می‌یابد (Bryan & Campbell Black, 2009: 427). جرائم شرکتی در عرصه تولید کالا و خدمات، ناظر بر بخشی از رفتارهای مغایر با قانون و آسیب‌زای شرکت‌هاست که بزه‌دیده اصلی آنها مصرف‌کنندگان هستند؛ همچون عدم رعایت استانداردها در زمینه تولید و توزیع، عرضه کالاهای فاسد و تاریخ مصرف گذشته با درج تاریخ انقضای غیرواقعی، تبلیغات خلاف واقع و نظایر آنها. کشف و تعقیب جرائم شرکت‌های تجاری علیه مصرف‌کنندگان، منعکس‌کننده بخش تاریک رفتار این شرکت‌هاست. از میان گزارش‌های متعدد علیه شرکت‌های تجاری، تعداد بسیار کمی به تعقیب و تعداد بسیار محدودی از آنها به محکومیت کیفری منتهی می‌شود. فقدان دسترسی به اطلاعات شرکت‌ها به لحاظ نبود شفافیت و فعالیت آنها در فضای ابری و فارغ از نظارت عموم و پیچیدگی نحوه تولید و ارائه کالا و خدمات، هرگونه تلاشی را برای تخمین این بخش تاریک، بی‌نتیجه می‌سازد (Diamantis & Laufer, 2019: 1).

تحقیق و پژوهش در عرصه صدمات حاصل از فعالیت‌های آسیب‌زای شرکت‌ها در ارائه محصولات نایمن و نمایاندن وسعت بزه‌دیدگی ناشی از مصرف این محصولات، لایه‌های پنهان بزه‌دیدگی را که به رسمیت شناخته نشده یا کمتر شناخته شده‌اند، آشکار ساخته و درک ما را از

مسئولیت شرکت‌ها در قبال جرائمی همچون جرائم علیه مصرف‌کنندگان، اصلاح می‌کند. افزون‌بر این، این تصور غلط را که رفتارهای غیرخشن شرکت‌های تجاری، کمتر از جرائم خشونت‌آمیز فردی، آسیب‌زا هستند، تصحیح می‌کند (Diamantis & Laufer, 2019: 2).

این پژوهش درصدد پاسخگویی به این دو پرسش است: کشف جرائم شرکت‌های تجاری در حوزه تولید و ارائه کالاها و خدمات آسیب‌زا با چه چالش‌هایی مواجه است؟ راهکارهای اساسی برون‌رفت از این چالش‌ها کدام‌اند؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها افزون‌بر مطالعات تطبیقی، از رویکرد کیفی و روش نمونه‌پژوهی، شامل مصاحبه‌های عمیق و هدفمند با ۱۶ تن از کارشناسان و ناظران مسئول کنترل کیفیت مستقر در سازمان‌های نظارتی و ۱۰ تن از قضات محاکم کیفری استان‌های تهران و کرمانشاه و همچنین تحلیل محتوای ۳۰ پرونده در تعزیرات حکومتی و محاکم کیفری در بازه زمانی هشت‌ماهه (از آبان ۱۳۹۸ تا خرداد ۱۳۹۹) استفاده شده است. این تحقیق از جمله پژوهش‌هایی است که محقق افزون‌بر تصویرسازی آنچه هست، به تشریح و تبیین دلایل چگونگی بودن و چرایی وضعیت مسئله می‌پردازد، از این‌رو تحقیق «توصیفی - تحلیلی» به‌شمار می‌رود. در این پژوهش به‌طور دقیق‌تر از روش تحقیق موردی و زمینه‌ای^۱ استفاده می‌شود. محقق در این روش، «واقعیت»، یعنی «آنچه را که هست» برمی‌گزیند و از طریق پژوهش‌های میدانی و مطالعات تطبیقی، به دنبال «حقیقت»، یعنی «آنچه که باید باشد» کاوش می‌کند.

تاکنون پژوهش مستقلی در ایران به این دو پرسش پاسخ نداده است، اما در مورد کشف جرائم اقتصادی، نقدی، سلیمی و جمشیدی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «نقش پلیس در کشف جرائم اقتصادی» به اهمیت نقش پلیس و لزوم افتراقی‌سازی مرحله کشف جرم در جرائم اقتصادی پرداخته‌اند. در پژوهشی دیگر کلانتری و جعفریان (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با نام «افتراقی‌سازی فرایند کشف و تعقیب جرائم اقتصادی» ضمن تأکید بر افتراقی‌سازی کشف جرائم اقتصادی، راهبردهایی را به‌منظور تسهیل فرایند کشف جرائم اقتصادی مانند حمل و نظارت تحت کنترل و دام‌گستری ارائه داده‌اند. دغدغه اصلی پژوهش مزبور، نمایان ساختن گستردگی آسیب‌های ناشی از جرائم یقه سفید و هزینه‌های اولیه و ثانویه این جرائم است. پژوهش حاضر به لحاظ پرداختن به چالش‌های فراروی گستره خاصی از قربانیان جرائم شرکتی (مصرف‌کنندگان) و بازنمایی آسیب‌های گسترده‌ای که از رهگذر ارائه کالاها و خدمات غیراستاندارد ایجاد می‌شود و پرداختن به موانع و مشکلات کشف این قبیل جرائم و ارائه راهکارهای برون‌رفت از این چالش‌ها، با دیگر پژوهش‌های صورت‌گرفته در عرصه جرائم اقتصادی کاملاً متمایز است و همین مسئله از دلایل ضرورت انجام پژوهش است.

۱. چالش‌های کشف جرائم شرکتی در عرضه‌ارائه کالا و خدمات

کشف رفتارهای مجرمانه شرکت‌های تجاری علیه مصرف‌کنندگان، همچون دیگر اشکال جرائم نوین، با دشواری‌های خاص خود همراه است. عواملی مانند فقدان شفافیت در نحوه فعالیت شرکت‌ها، برخورداری نبودن از سیستم‌های کنترل هوشمند، ضعف و ناهماهنگی نهادهای نظارتی، سوءاستفاده از قدرت اقتصادی و نفوذ سیاسی، کشف این‌گونه رفتارها را به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، مانند ایران به لحاظ فقدان زیرساخت‌های لازم با موانع جدی مواجه ساخته است. در ذیل، اهم این چالش‌ها بررسی می‌شود.

۱.۲. عدم کنترل صحیح و نظام‌مند بر فرایند تولید و عرضه کالا

کنترل فرایند تولید و عرضه کالا در ایران همچون سایر کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته، در حال گذار از روش سنتی به مدل‌های مدرن است. در دوران سنتی، عملکرد غالب نظام کنترل و نظارت بر فرایند تولید و عرضه کالاها، به جرم‌انگاری و تخلف‌انگاری محدود بود. قوانینی مانند قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷ و قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴ و اتخاذ تدابیری همچون الزام شرکت‌های تجاری به اخذ پروانه مربوط در خصوص سلامت و ایمنی کالاها از نهادهایی همچون وزارت بهداشت، سازمان ملی استاندارد، حاصل تلاش دولت برای کنترل جرائم در این عرصه بود. در سال‌های اخیر با حفظ مقررات سابق، به موازات الکترونیکی شدن فرایند تجارت، سازوکارهایی به‌منظور الکترونیکی شدن فرایند صدور مجوز تولید و عرضه کالاها پیش‌بینی شده است.

پس از شکل‌گیری ایده‌ها و سیاست‌های دولت الکترونیک در ایران و تلاش به‌منظور ارتقا و ارائه نظام‌مند کالاها و خدمات، موانع عدیده‌ای در مسیر اعمال این طرح ظاهر شد. یکی از موانع اصلی در نیل به اهداف دولت الکترونیک، ضعف در یکپارچه‌سازی سیستم‌های اطلاعاتی است که می‌توان آن را در قالب موانعی مانند فقدان دستورالعمل‌های شفاف سازمانی، ضعف بودن شبکه ارتباطات در ساختار سازمان، طولانی بودن سلسله‌مراتب سازمانی، متوقف ماندن برنامه‌ها با جابه‌جایی دولت‌ها و عدم هماهنگی و انسجام میان بخش‌های مختلف سازمان در استفاده از فناوری اطلاعات دانست (ابراهیم‌وند و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۸). به لحاظ تجربه‌های ناموفق سامانه‌های قبلی مانند ایران کد و طرح شبیم^۱، نسبت به این سامانه‌ها، نگرش مثبتی وجود نداشت، درحالی‌که

۱. نظام ملی شماره‌گذاری کالا و خدمات ایران (ایران کد) و طرح شبکه‌بازرسی و نظارت مردمی (شبیم) با هدف کمک به بهبود نظام توزیع، نظارت بر بازار و تثبیت قیمت‌ها و جلوگیری از قاچاق کالا، در مورخه ۱۳۸۵/۹/۱۲ به تصویب هیأت وزیران رسید که با روی کار آمدن دولت یازدهم، کلیه بخشنامه‌های دال بر تصویب این دو سامانه لغو شد.

شکست سامانه‌های مزبور بهسبب پیاده‌سازی نارسا و اجرای نامناسب آنها بوده است، نه ناکارآمدی ایده‌های تشکیل‌دهنده آنها.

معطل ماندن اجرای قوانین پیشگیرانه (سامانه‌های کنترل اصالت و فرایندهای تجاری) و عدم پیگیری آن از سوی نهادهای مجری، از مشکلات ساختاری در عرصه نظام کنترل کالا است. برای نمونه، مواد ۵، ۶ و ۱۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در خصوص شناسه کالا و ماده ۸ قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار، الزاماتی برای الکترونیکی شدن فرایندهای تجاری مقرر کرده‌اند، ولی بهسبب کارشکنی‌های برخی گروه‌های ذی‌نفع و اعمال نفوذ شرکت‌های تجاری، به‌رغم گذشت بیش از شش سال از تصویب این قوانین، همچنان بسیاری از بخش‌های آن معطل مانده و اقدام خاصی جهت پیشبرد اهداف آن صورت نگرفته است. عدم کنترل مسیر تولید و توزیع محصولاتی مانند داروهای که دارای عارضه طولانی‌مدت هستند، سبب عدم امکان کشف جرائم شرکت‌های تولیدی یا وارداتی این محصولات می‌شود. براساس داده‌های حاصل از مصاحبه با سازمان معاونت غذا و داروی استان کرمانشاه: «در صورتیکه مصرف‌کننده، مثلاً در طی شش ماه گذشته دارویی مصرف نموده که موجب نارسایی کلیوی شده است، کشف و اثبات آسیب‌زا بودن این دارو و مصرف آن توسط زیان‌دیده، به‌جهت عدم یک سیستم منسجم که در بردارنده اطلاعاتی چون مشخصات وی، تاریخ خرید محصول، نام محصول، نام شرکت سازنده، نام داروخانه محل توزیع و نیز نام مسئول فنی داروخانه، بسیار دشوار است؛ زیرا آسیب وارده می‌تواند به‌جهت قصور هر یک از عوامل فوق بوده و در صورت عدم قابلیت ره‌گیری محصول، امکان استناد آسیب به هر یک از این عوامل و حتی به خود قربانی به‌جهت عدم مصرف صحیح و در نتیجه براءت شرکت تولیدی یا وارداتی، بسیار زیاد است».

گاه علت اصلی مکتوم ماندن جرائم شرکت‌ها علیه مصرف‌کنندگان، فقدان کنترل صحیح و کارآمد بر سلامت محصول است. برای مثال، در خصوص کنترل کیفیت داروهای وارداتی، بنابر اظهارات کارشناس حقوقی سازمان غذا و داروی استان کرمانشاه: «در گمرک از هر نوع دارو، یک مورد نمونه‌برداری صورت می‌گیرد ولی این نمونه‌برداری‌ها بیشتر جنبه صوری دارد و جز در موارد بسیار نادر به آزمایشگاه ارجاع نمی‌گردد. در این نمونه‌برداری‌ها صرفاً به ظاهر محصول توجه شده و به صرف وجود بسته‌بندی مناسب و تاریخ تولید و انقضا و اصالت ظاهری کالا، مجوز ورود داده می‌شود و سلامت محصول به‌نحو صحیح بررسی نمی‌گردد. حتی بر فرض سلامت محصول، ممکن است نگهداری نامناسب آن موجب فاسد شدن کالا گردد. در این شرایط، وجود برچسب‌های تأیید سلامت محصول، امکان افشای آسیب‌زا بودن کالا را نه‌تنها برای مصرف‌کنندگان، بلکه برای سازمان‌های نظارتی نیز تقریباً غیرممکن می‌سازد؛ زیرا در یک چرخه

معیوب که معلوم نیست کالا اساساً غیراستاندارد بوده و یا آسیب‌زا بودن آن به جهت شرایط نامناسب نگهداری آن است، اثبات آسیب‌رسان بودن کالا بسیار دشوار می‌شود». بنابراین در بیشتر موارد هرگونه تلاش برای کشف این جرائم محکوم به شکست است.

۲.۲. فقدان انسجام و ضعف در عملکرد کنشگران کشف جرائم شرکتی

حمایت از قربانیان حوزه مصرف با توجه به مصادیق متعدد و وابستگی هریک از مصادیق مذکور به حوزه‌ها و نهادهای مختلف، مستلزم تعامل و انسجام نهادهای نظارتی و نیز تعامل این نهادها با مراجع قضایی است، زیرا از یک‌سو بین مصادیق مختلف در عرصه جرائم شرکتی علیه مصرف‌کنندگان، ارتباط ویژه‌ای برقرار است، به‌گونه‌ای که ممکن است رفتار مجرمانه‌ای همزمان از مصادیق جرائم علیه مصرف‌کننده و جرائم علیه بهداشت، سلامت عمومی و محیط زیست تلقی شود و از سوی دیگر تأثیر متقابل بین حوزه‌های عهده‌دار حفظ سلامت و بهداشت عمومی و منافع اقتصادی، موجب می‌شود که نهادهای نظارتی به یکدیگر متصل شوند.

به‌رغم پیش‌بینی نهادهای نظارتی متعدد، هیچ نهاد یا انجمن هماهنگ‌کننده‌ای بین آنها وجود ندارد و حتی مرز مشخصی برای تمییز حیطه وظایف و اختیارات نظارتی آنها ترسیم نشده است. بنابر اظهارات یکی از قضات سازمان تعزیرات حکومتی استان تهران: «وظایف سازمان غذا و دارو و سازمان استاندارد و شورای رقابت در خصوص حقوق مصرف‌کننده، بسیار به یکدیگر نزدیک و در غالب موارد منجر به موازی کاری و اعلام جرم همزمان از سوی دو سازمان می‌شود. اما به جهت عدم وحدت معیار در این نهادها، گاه منجر به صدور قرار منع تعقیب از سوی مراجع قضایی می‌گردد. در برخی موارد، سازمان غذا و دارو، با توجه به معیارهای موجود، محصولی را آسیب‌زا معرفی می‌کند، ولی سازمان استاندارد مصرف آن محصول را بلا مانع می‌داند. مثلاً اگر یک محصول ضد عفونی با توجه به معیارهای سازمان غذا و دارو، آسیب‌رسان باشد، ولی سازمان استاندارد آن را تأیید کند، در بیشتر موارد باعث برائت شرکت می‌شود. علت این امر، معیارهای مدنظر سازمان استاندارد است که در صورت برخورداری محصول از حداقل معیارهای تعیین‌شده در زمان تولید، نسبت به اعطای نشان استاندارد اقدام می‌کند. در حالی که از نظر سازمان غذا و دارو، در صورتی می‌توان سلامت یک محصول را تأیید کرد که نه تنها واجد حداقل استانداردها در زمان تولید باشد، بلکه مصرف کالای مزبور در درازمدت نیز موجب آسیب مصرف‌کننده نشود».

گاه قانونگذار به صراحت، دستگاه‌های اجرایی را موظف به نظارت و گزارش تخلفات شرکت‌ها علیه مصرف‌کنندگان کرده است. ماده ۱۵ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان اشعار می‌دارد: «به منظور اجرا مقررات این قانون و سایر قوانین و مقرراتی که موضوع آنها به طور صریح یا ضمنی حمایت از حقوق مصرف‌کننده است، وزارت بازرگانی مکلف است از طریق بازرسان

سازمان‌های ذی‌ربط، فعالیت اشخاص حقیقی و حقوقی موضوع این قانون را نظارت و بازرسی نموده و در صورت مشاهده تخلف، مراتب را به سازمان تعزیرات حکومتی جهت رسیدگی، گزارش نماید». با این حال برخی از مسئولان و کارکنان مرتبط، تمایلی به اعلام جرم و گزارش رفتارهای معارض با حقوق مصرف‌کنندگان را ندارند. به‌گونه‌ای که ترجیح غالب آنها این است که موضوع به‌صورت درون‌نهادی و خارج از نظام عدالت کیفری حل و فصل شود. حسب اظهارات مسئول نظارت بر فرآورده‌های بهداشتی و آرایشی سازمان معاونت غذا و داروی استان کرمانشاه: «نهادهایی که متولی حفظ بهداشت و سلامت عمومی هستند از جمله وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان غذا و دارو، در صورت مشاهده رفتارهای زیان‌آور شرکت‌های تحت بازرسی خود، تمایلی به اعلام جرم و طرح شکایت کیفری ندارند. با این توضیح که با عنایت به فراوانی تخلفات و موارد تعرض شرکت‌ها به سلامت و بهداشت مصرف‌کنندگان، سیاست این قبیل نهادها بر این است که در وهله‌ی اول مرتکبین به واحد نظارت و ارزیابی معرفی شوند تا از ادامه فعالیت آنها جلوگیری شود، مگر در خصوص موارد خیلی حاد، مانند قضیه‌ی کشف روغن صنعتی پالم در صنایع غذایی و فرآورده‌های لبنی که در این صورت پرونده جهت رسیدگی به مراجع قضایی گزارش می‌شود».

۳.۲. ابهام در وظایف مراجع قضایی و غیر قضایی

ابهام و تعارض در وظایف مراجع قضایی و غیرقضایی (سازمان تعزیرات حکومتی) سبب سرگردانی و تداخل در انجام وظایف ضابطان می‌شود. در برخی پرونده‌ها، ضابطان پس از کشف جرم، دستورهای اولیه را از مقام قضایی می‌گیرند، ولی پس از طی مراحل قانونی و انجام اقدام‌های مقتضی، صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی برای آنان محرز می‌شود. حتی در مواردی با وجود دستور مرجع قضایی، در نهایت پرونده به سازمان تعزیرات حکومتی ارسال می‌شود و دستور مرجع قضایی بی‌پاسخ می‌ماند (پرونده شماره ۱۳۹۸۰۲۰۱۰۷۵۰۰۰۷۶ شعبه ۲۹ بدوی تعزیرات حکومتی تهران).

رویکرد قانونگذار نسبت به تعیین اختیارات سازمان تعزیرات حکومتی و مراجع قضایی چندان شفاف نیست. برای مثال در خصوص قاچاق آن دسته از کالاهایی که تخلف تلقی می‌شوند، با آنکه رسیدگی به آنها در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است، به موجب ماده ۴۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، دستور ورود به انبارها، اماکن و مستغلات، محل اختفا یا نگهداری کالاهای قاچاق، مانند بازرسی محیط فعالیت شرکت‌ها، صرفاً به موجب دستور مقام قضایی امکان‌پذیر است. همچنین به استناد تبصره ۱ ماده ۴۱ قانون مذکور، چنانچه کاشف محموله قاچاق مجاز یا

مشروط، یکی از سازمان‌های کاشف، همچون سازمان بازرسی یا سازمان غذا و دارو باشد، در مواردی که این سازمان‌ها فاقد اختیارات ضابطان هستند، موظف‌اند بلافاصله پس از کشف جرم، موضوع را به منظور انجام اقدام قانونی به «ضابطان یا مراجع قضایی» گزارش کنند و امکان ارجاع مستقیم به سازمان تعزیرات حکومتی وجود ندارد.

دستگاه‌های نظارتی نیز عملاً با مراجع قضایی و سازمان تعزیرات حکومتی به نسبت ضابطان، تعامل کمتری دارند. این در حالی است که اصل تکلیف اعلان جرم و تخلف، خطاب به مقامات قضایی رسیدگی‌کننده است؛ گاه خود قوانین به این مشکل دامن می‌زنند. برای نمونه در خصوص پرونده‌های قاچاق کالا، تبصره ۱ ماده ۴۱ در مواردی که دستگاه‌های کاشف فاقد اختیارات ضابطان باشند، آنها را میان اطلاع دادن موضوع به ضابطان دادگستری یا مراجع قضایی مخیر گذاشته است. البته بخشی از عدم تمایل دستگاه‌ها به رویارویی مستقیم با مقامات قضایی را می‌توان ناشی از عدم انعطاف قضات دانست.

افزون بر آن، فقدان ارتباط سیستمی بین نهادهای تعقیب و تعدد این نهادها، از جمله دادرسی‌های عمومی و انقلاب، مجتمع قضایی ویژه امور اقتصادی، وزارت اطلاعات، سازمان تعزیرات حکومتی، به مثابه معضلی جدی در کشف جرائم شرکتی تلقی می‌شود. بنابراین به لحاظ فقدان نهاد تخصصی و عدم انسجام و پیوستگی لازم بین مراجع حقوقی، کیفری و اداری، پرونده‌ها به تناوب در مرحله مقدماتی به دادرسی عمومی و انقلاب، دادرسی جرائم اقتصادی، دادرسی جرائم پزشکی، سازمان تعزیرات حکومتی، و در مرحله رسیدگی به دادگاه‌های حقوقی، کیفری ۱ و ۲ و دادگاه انقلاب ارجاع می‌شود. قربانیان گاه به سبب همین تعدد مراجع، پس از طی مراحل طولانی شکایت و صرف هزینه‌های متعدد با قرارهای عدم صلاحیت پیاپی از مراجع مختلف مواجه شده، و این مسئله به سلب انگیزه آنان در پیگیری شکایتشان، و به تبع عدم افشای جرائم ارتكابی از سوی شرکت‌ها منجر می‌شود. برای مثال با آنکه به استناد قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و خوردنی، آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴ مرجع صالح برای رسیدگی به جرائم موضوع قانون مزبور، محاکم کیفری عمومی‌اند، در قوانینی همچون اصلاح ماده ۳ قانون مربوط به امور پزشکی و دارویی و مواد خوراکی و آشامیدنی مصوب ۱۳۷۴، به جرائم موضوع صلاحیت این قانون، در دادگاه انقلاب رسیدگی می‌شود. در خصوص صلاحیت محلی نیز به دلیل وقوع جرم در حوزه‌های قضایی مختلف، از جمله محل تولید، توزیع و مصرف، صلاحیت محلی متعدد میان مرکزیت شرکت تجاری و شعبه‌های آن، عدم پیش‌بینی نظام رسیدگی متخصص با قواعد ویژه و توسل به قواعد عمومی صلاحیت، همواره با تداخل رسیدگی و یا ممانعت از رسیدگی به سبب عدم صلاحیت مواجهیم. برای نمونه می‌توان به قرار عدم صلاحیت محلی در پرونده شماره

۱۳۹۸۰۰۱۰۳۰۱۲۰۰۰۳۸۷ شعبه هفتم بدوی سازمان تعزیرات حکومتی اردبیل، اشاره کرد. در این پرونده، در خصوص اتهام شرکت پارس خودرو دائر بر گران‌فروشی و عدم تحویل خودرو از سوی یکی از شعب این شرکت در شهرستان مزبور، به لحاظ وقوع مرکزیت شرکت در تهران، به صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی تهران، رأی صادر شد.

۲.۴. برخورداری شرکت‌ها از قدرت اقتصادی و سیاسی برتر

مرتکبان جرائم شرکتی به واسطه قدرت اقتصادی، نوعاً در قدرت سیاسی نیز دست دارند تا جایی که گاه به حکمرانی حاکمان جهت می‌دهند؛ به نحوی که امروزه برخی نویسندگان در خصوص جرائم شرکتی از اصطلاحاتی همچون «بزهکاری نخبگان»، «خشونت ثروتمندان-توانمندان» یاد می‌کنند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۷: ۴۶۳). گاه شرکت‌ها با سوءاستفاده از جایگاه خود و نیز موضع ضعیف کارکنان خود به‌ویژه کارکنان دون‌پایه، زمانی که خود را در معرض تعقیب کیفری می‌بینند، به‌منظور مکتوم ماندن جرائم ارتكابی و عدم ایراد لطمه به شهرت شرکت، با پیشنهاد پرداخت پول یا ارتقای سمت سازمانی به کارمندان شرکت، آنها را به پذیرش مسئولیت جرائم ارتكابی توسط شرکت، اقناع کرده و در نهایت با تحمیل مسئولیت کیفری بر کارمند و شاکی جلوه دادن شرکت، از خود رفع مسئولیت می‌کنند و مانع افشای ارتكاب جرم شرکت می‌شوند. بر مبنای اظهارات کارشناس حقوقی سازمان غذا و داروی استان تهران: «یک شرکت داروسازی در تهران که خود را در مظان اتهام توزیع خارج از شبکه دارو می‌دید و با گزارش سازمان غذا و دارو مبنی بر کشف تخلف یکی از شعب این شرکت، به دادسرای جرائم پزشکی احضار شد، اقدام به شکایت صوری علیه انباردار خویش به اتهام توزیع خارج از شبکه نمود و با بی‌اطلاع جلوه دادن خود از خروج دارو از انبار و نیز اقرار انباردار به ارتكاب جرم بدون اطلاع شرکت، اسباب رفع مسئولیت کیفری خود را فراهم آورد. این قبیل ترفندها علاوه بر آنکه مانع ورود آسیب به شهرت شرکت‌های تجاری می‌شود، شرکت‌ها را در ادامه فعالیت مجرمانه‌شان فارغ از هرگونه واکنش می‌گذارد».

مسئله دیگری که بر دشواری کشف جرائم شرکت‌های تجاری می‌افزاید، سهم بودن کنشگران مسئول کشف این جرائم در سود حاصله از فعالیت شرکت‌هاست. ذی‌نفع واحد^۱ که در کشورهای اروپایی از آن به «درب چرخان»^۲ تعبیر می‌شود، به این معناست که شخصی همزمان در پست‌های مهم دولتی و شرکت‌های تجاری خصوصی مشغول به کار باشد (Alvesalo-Kuusi, 2020: 78). برای

۱. منظور از ذی‌نفع واحد، اشخاص حقیقی و حقوقی از نظر مالی و مدیریتی با هم مرتبطند، به این صورت که در ضرر و سود مالی سهیم‌اند.

نمونه، افرادی که می‌بایست در مقام قانونگذاری، نظارت، کشف جرم یا تخلف یا صدور حکم برای شرکت‌های تجاری خاطی باشند، خود به‌عنوان ذی‌نفع در یک شرکت تجاری خصوصی، از انجام وظیفه در قالب قانونی و اخلاقی سرباز می‌زنند. این ذی‌نفعان در حال حاضر در مراکز قانونگذاری و تدوین لوایح همچون کمیسیون بهداشت و درمان، و مراجع رسیدگی و نظارت، نظیر سازمان تعزیرات حکومتی، سازمان صنعت، معدن و تجارت، سازمان بازرسی کل کشور و غیره متصدی امورند. تدوین قوانین بازدارنده با هدف ممانعت از اشتغال مدیران دولتی در شرکت‌های تجاری خصوصی یا تنظیم‌گری ذی‌نفعان در این حوزه، از جمله اقدام‌هایی است که در سیاست جنایی ایران مغفول مانده است.^۱

براساس داده‌های حاصل از مصاحبه با مسئولان سازمان علوم پزشکی استان کرمانشاه، ساختار اداری وزارت بهداشت به‌گونه‌ای است که پزشک‌ها و داروسازها، هم ناظرند و هم نظارت‌شونده. رئیس بخش حقوقی سازمان غذا و دارو که وظیفه ارجاع شکایات به مراجع صالح قضایی را دارد، خود پزشک است و از آنجا که در غالب موارد پزشکان در توزیع داروهای متقلبانه ذی‌نفع هستند، موجب اخلال در روند رسیدگی و مانع ارجاع امر به مراجع قضایی می‌شوند. مسئولان وزارت بهداشت خودشان جزء همان بدنه‌ای هستند که قرار است عملکردشان مورد نظارت قرار بگیرد. شرکت‌ها با تبانی پزشکان و پرداخت رشوه، پلاتین‌ها و پروتزهای دست دوم را از پزشکان دریافت کرده و پس از بسته‌بندی مجدد وارد بازار می‌کنند.

پدیده تسخیر نهادی نیز معضلی در این عرصه به‌شمار می‌رود. در این خصوص می‌توان به سیطره شرکت‌های واگذارشده به بخش خصوصی و کارخانه‌های تولید صنایع از جمله صنایع خودرویی بر نهادهای نظارتی اشاره کرد. این قبیل شرکت‌ها، منابع مالی نامحدودی در اختیار داشته و از قدرت زیادی برخوردارند و برخی نهادهای دارای قدرت یا وابسته به قدرت، در سهام و سود این شرکت‌ها سهیم‌اند. همین مسئله موجب سیطره و نفوذ هرچه بیشتر آنها بر نهادهای نظارتی و بازرسی می‌شود. به‌گونه‌ای که ممکن است در عزل و نصب مدیران و معاونان نهادهای نظارتی تأثیرگذار باشند. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که چنین نهادهای بی‌قدرتی بتوانند وظایف خود را به‌درستی انجام دهند.

۱. اخیراً اظهارات یکی از نمایندگان مجلس در رسانه‌های عمومی منعکس شد که براساس آنها یکی از مدیران وزارت بهداشت که شرکت‌های متعدد واردات دارو داشته، به نمایندگی از وزارت بهداشت، دارو را به هزار و پنجاه برابر قیمت از طریق شرکت دولتی خودش از شرکت خصوصی خود می‌خریده و توزیع می‌کرده است. طبق گفته این نماینده تنها برخوردی که با چنین موضوع مهمی شده، جابه‌جایی و تغییر سمت مدیر مورد اشاره بوده است (مصری از نواب رئیس مجلس فعلی).

وجود اقتصاد دولتی و سهم حداقلی بخش خصوصی در بازار رقابت، بر این چالش‌ها دامن زده، به گونه‌ای که تعداد زیادی از شرکت‌های تجاری در ایران یا دولت‌یاند یا بهسبب وابستگی به مقامات دولتی، در صورت ارتکاب جرم هرچند فاحش، امکان تعرض به آنها از سوی مقامات نظارتی یا نظام عدالت کیفری وجود ندارد. بسیاری از ادارات و شرکت‌های دولتی، زیرمجموعه سازمان صنعت، معدن و تجارت هستند که یک مرجع نظارتی دولتی است. بنابر اظهارات یکی از قضات سازمان تعزیرات حکومتی استان تهران: «در پرونده خرید برنج از هندوستان که یک شرکت دولتی به صورت کلان اقدام به وارد کردن برنج‌های آسیب‌رسان به داخل کشور نموده بود، به جهت وجود یک مقام دولتی ذی‌نفوذ که در این ماجرا نقش داشته و مجوزهای ورود این برنج‌ها را صادر نموده، نهایت اقدامی که صورت گرفت، صرفاً توقیف و جمع‌آوری برنج‌ها در سطح بازار بود ولی جنبه مجرمانه این پرونده مکتوم ماند و مراجع قضایی و سازمان تعزیرات حکومتی، آن را فاقد وصف مجرمانه اعلام کرده و نسبت به متهمان قرار منع تعقیب صادر نمودند».

۳. راهکارهای اصلاح و ارتقای نظام کشف جرائم شرکتی در عرصه ارائه کالا و خدمات

نظر به این واقعیت که امکان کشف رفتارهای مجرمانه از سوی سیستم‌های نظارت و بازرسی ناکارآمد، بسیار ضعیف است، برای ارتقای سازوکارهای کشف جرائم شرکتی علیه مصرف‌کنندگان، حمایت دولت، تأسیس واحدهای کشف و نظارت تخصصی، مشارکت عمومی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی برای هرچه مشهودتر کردن این قبیل جرائم بسیار ضروری است. اتخاذ تدابیر لازم توسط نظام عدالت کیفری و برقراری تعامل با نهادهای نظارتی و سایر مؤسسات دولتی، انسجام و هماهنگی نهادهای مزبور در مواجهه با جرائم شرکتی، گامی مؤثر در راستای تسهیل کشف جرائم شرکتی و بالا بردن هزینه ارتکاب این جرائم به‌شمار می‌آید.

در درجه نخست، باید ساختارهایی که موجب تسهیل وقوع جرم در شرکت‌ها می‌شوند، شناسایی شوند و سپس با ایجاد تغییراتی در آنها و با تغییر در نگرش نظام قضایی و سیاسی از رهگذر بازنمایی شدت و گستردگی آثار مخرب و هزینه‌های گزاف جرائم شرکتی و قرار دادن این جرائم در اولویت نظام قضایی، به ایجاد نظام کشف کارآمد و توأم با سازوکارهای قوی نظارتی کمک کرد.

۳.۱. ارتقای سطح آگاهی مصرف‌کنندگان از رهگذر شفاف‌سازی فعالیت شرکت‌های تجاری

حمایت از مصرف‌کننده به‌ویژه عرصه مالی، بر شفافیت متمرکز است. منظور از شفافیت در دسترس بودن اطلاعات مربوط به فرایند تولید و عرضه کالا و خدمات، برای مصرف‌کنندگان و

حامیان آنها، همچون دانشگاهیان، اصحاب رسانه، سازمان‌های حمایت از مصرف‌کننده و سایر ناظران بازار است. مقررات توصیه‌ای و کنترل‌کننده، اعم از کیفری و مدنی، محدودیت مؤثری را برای شرکت‌های تجاری چه از نظر نوع محصولات و چه به لحاظ نوع قیمت‌گذاری ایجاد می‌کند. در کنار این محدودیت‌ها، راهبردهای نظارتی مبتنی بر شفافیت، مکمل مهمی برای اقدام‌های تهاجمی‌تر، مانند جرم‌انگاری و کیفرگذاری است، زیرا ابزارهای نظارتی می‌توانند دامنه انتخاب‌های مصرف‌کنندگان را ارتقا بخشند و از کارایی شیوه‌های تهاجمی نیز اطمینان حاصل کنند، به گونه‌ای که بستر پاسخگویی این شیوه‌ها را تسهیل کنند (Daniel, 2014: 396).

یکی از کارآمدترین تدابیر حمایتی برای مصرف‌کنندگان، شفاف‌سازی نحوه عملکرد شرکت‌ها در خصوص مسیر تولید و توزیع کالاهاست. گسترش تجارت الکترونیک این شفافیت را تا حدودی در حوزه فروش و عرضه تسهیل کرده است. مصرف‌کنندگان می‌توانند به راحتی در خصوص مشخصات محصول، قیمت، کیفیت، کارایی و دیگر شاخص‌ها، اطلاعات گسترده‌ای به دست آورند. نسل اول سایت‌های تجارت الکترونیک همچون ایبی^۱ و آمازون^۲ بسیار به روشن شدن این مسیر کمک کردند. در ایران نیز ایجاد اپلیکیشن‌هایی مانند دیجی کالا، اسنپ، تپ‌سی، پیشرفت خوبی در این عرصه قلمداد می‌شود. وقتی که فرایند عرضه محصولات، الکترونیکی می‌شود، شرکت‌هایی که عملکرد مناسبی در این حوزه ندارند و از ارائه اطلاعات صحیح به مصرف‌کننده اجتناب می‌کنند، با بازخوردهای منفی از سوی مصرف‌کنندگان مواجه می‌شوند و این امر می‌تواند بسیار برای آنها هزینه‌بردار شود و میزان فروش محصولاتشان را به میزان چشمگیری کاهش دهد. به عبارت دیگر الکترونیکی شدن عرضه کالا و خدمات، به منزله افزایش سازوکارهای نظارتی در فرایند توزیع و میزان کیفیت و قیمت محصولات است. همان‌گونه که اقتصاددانان به آن اشاره می‌کنند، در این حوزه در موازنه قدرت میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان به نسبت نسل گذشته، تغییرات اساسی ایجاد شده است (Egels-Zandén, 2016: 4). این عوامل به ظهور نوعی نظارت قدرتمند در بازار منجر می‌شود و شرکت‌ها ناگزیر باید در جست‌وجوی شیوه‌های جدید برای جلب رضایت مصرف‌کنندگان باشند تا بتوانند اعتماد آنان را حفظ کنند. بدین‌سان تشدید رقابت میان شرکت‌ها موجب شکل‌گیری ناظرانی به مراتب سختگیرانه‌تر و اعمال نظارت‌های دقیق‌تر در خصوص عملکرد نامتناسب شرکت‌های رقیب شده است. در این شرایط کنشگرانی که نتوانند خود را همزمان با پیشرفت‌های فناوری، روزآمد سازند و عملکرد مناسبی نداشته باشند، حذف شده و توسط شرکت‌های روزآمد شده که خدمات بهتری ارائه می‌دهند، جایگزین می‌شوند؛ این مسئله موجب شکل‌گیری جامعه خودنظارتی می‌شود. این همان پدیده‌ای است که اریک

1. eBay
2. Amazon

گلدمن^۱ استاد دانشگاه سانتا کلارا از آن به‌عنوان «دست نامرئی ثانویه»^۲ یاد می‌کند (Koopman, 2015: 133).

تجربه کشورهای صنعتی و پیشرو در عرصه مبارزه با جرائم شرکتی نشان می‌دهد که «طراحی نظام بهینه کنترل تأمین کالا» نظامی با محوریت طراحی کنترل هوشمند، به‌گونه‌ای که شفافیت فرایندهای تولید، توزیع، خرید و فروش در آن قابل تضمین باشد، ضروری است. در چنین نظامی مجاللی برای تخلفات درون‌سیستمی^۳، مانند عدم درج اطلاعات یا ورود اطلاعات نادرست یا تخلفات برون‌سیستمی^۴ «فعالیت خارج از سیستم»، وجود ندارد (Schwarcz, 2014: 110). این مسئله ضمن پیشگیری از جرائم بهسبب اتخاذ سیاست‌های مناسب در زمینه مهار جرائم شرکتی - پیشگیری وضعی توسط سامانه‌ها - به لحاظ سهولت ره‌گیری زنجیره تأمین کالاها، موجب تسهیل افشای جرائم شرکت‌های تجاری علیه مصرف‌کنندگان می‌شود. در ایران نخستین کوشش برای کنترل نظام تأمین کالا و سهولت ره‌گیری آن، در زمان دولت اول اصلاحات (۱۳۸۱) بود که ایده اولیه و سیاست‌های دولت الکترونیک شکل گرفت و با آنکه در دولت نهم و دهم به آن اعتنای چندانی نشد، این روند در دولت یازدهم و دوازدهم رو به بهبود رفت. در حال حاضر به استناد بند «الف» ماده ۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، «سامانه یکپارچه‌سازی و نظارت بر فرایند تجارت» (سامانه جامع تجارت ایران) با هدف اجرای دولت الکترونیک، کاهش فساد اقتصادی، و ارتقای شفافیت فرایند تولید و توزیع کالا و ایجاد یکپارچگی و هماهنگی الکترونیک میان دستگاه‌های دخیل در فرایند تجارت داخلی و خارجی، تشکیل شده است. بهره‌برداری این سامانه از سال ۱۳۹۵ شروع شده است و همچنان تکمیل بخش‌های مختلف آن ادامه دارد. انتظار می‌رود با بلوغ این سامانه، سرعت، سهولت و شفافیت در کنترل فرایند تولید کالا و نیز ارتقای نظام کشف جرائم شرکتی تحقق یابد.

انتشار احکام صادرشده علیه شرکت‌های متخلف و اعلان فهرست کالاهای غیراستاندارد نیز از دیگر شیوه‌های مؤثر در راستای ارتقای آگاهی مصرف‌کنندگان از محصولات آسیب‌رسان و پیشگیری از بزه‌دیدگی شمار بیشتری از مصرف‌کنندگان است. بنابراین ضروری است احکام اصداری علیه شرکت‌های تجاری به‌ویژه در مواردی که جرائم ارتكابی، سلامت مصرف‌کنندگان را در معرض خطر قرار می‌دهند، در سامانه‌های زیرمجموعه قوه قضاییه به‌صورت رسمی و با ذکر نام شرکت، به اطلاع مصرف‌کنندگان برسد. این مسئله ضمن ممانعت از تکرار جرم توسط شرکت محکوم، از تکرار جرائم مشابه توسط سایر شرکت‌های تجاری، پیشگیری می‌کند. برای نمونه، در

1. Eric Goldman
2. Secondary invisible hand
3. Intra System Violation
4. Out of System Activity

برخی کشورها همچون انگلستان، ساینی راه‌اندازی شده است که اقدام به معرفی انواع جرائم شرکتی می‌کند و از مخاطبان خویش می‌خواهد چنانچه قربانی جرائم مزبورند، فرم مربوط را تکمیل کنند و دلایل خویش را به حوزه مربوطه ارائه دهند (Anceel, 2019: 177).

۳.۲. بهره‌گیری از مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد

سازمان‌های مردم‌نهاد که به‌اختصار «سمن» خوانده می‌شود، در راستای رشد جامعه مدنی و پدیده دولت - ملت مدرن، در جوامع توسعه‌یافته شکل گرفت. فرایند گذار از سیاست کیفری به سمت سیاست جنایی مستلزم حمایت و توجه ویژه به نهادهای مدنی است. بهره‌گیری از نقش و جایگاه مردم و نهادهای اجتماعی و غیردولتی در انواع پاسخ به جرائم شرکتی علیه مصرف‌کنندگان، متبلور سیاست جنایی مشارکتی است که خود به دو گونه کنشی «پیشگیرانه یا فعال» و واکنشی «پاسخگو یا منفعل» تقسیم می‌شود. در مدل سیاست جنایی جامعوی (غیردولتی) نهادهای مدنی، به‌طور مستقل یا تحت نظارت نهادهای دولتی در خصوص پاسخ به پدیده مجرمانه و ترمیم آثار آن و حمایت از زیان‌دیدگان اقدام می‌کنند (لازرز، ۱۴۰۰: ۶۸). افزون‌بر تسهیل تأسیس این نهادها، تضمین حضور فعال آنها در سیاست جنایی مشارکتی بسیار حائز اهمیت است. به‌عبارتی حضور سمن‌ها در فرایند کیفری دو جنبه دارد: نخست وجه تأسیسی سمن‌ها و دیگری جنبه کارکردی آنهاست. نظارت دولت‌ها در مرحله پیشینی و قبل از تأسیس سمن‌ها، نباید به‌گونه‌ای باشد که خود مانعی بر سر راه تحقق آزادی این انجمن‌ها تلقی شود. به‌عبارتی، نظارت سختگیرانه دولت در مرحله تأسیس آنها با فلسفه وجود این نهادها که همان تحدید قلمرو مداخله دولت است، در تضاد قرار دارد. از طرفی نظارت پسینی دولت نیز نباید از حضور مؤثر و فعالانه آنها در فرایند کیفری جلوگیری کند. از این‌رو منظور از گذار از سیاست جنایی ذاتاً دولتی به‌سوی سیاست جنایی مشارکتی، حضور مؤثر و فعالانه نهادهای مردمی در فرایند کیفری است (جمشیدی، ۱۳۹۵: ۲۸).

نظر به اینکه قربانیان جرائم شرکتی در عرصه ارائه کالا و خدمات، عموم افراد جامعه هستند، تدوین سازوکارهای مشارکت فعال و سازمان‌یافته انجمن‌های مردم‌نهاد در نظارت بر عملکرد شرکت‌های تجاری و اعلام جرم و مشارکت در جلسات دادرسی و همچنین حق اعتراض به آراء، از دیگر ابزارهای مؤثر در شفافیت فعالیت شرکت‌ها و ارتقای سطح آگاهی مصرف‌کنندگان است. این سازمان‌ها به‌دلیل اینکه در مقایسه با سازمان‌های دولتی انگیزه و توانایی بیشتری در تشریح آثار و ابعاد مختلف جرائم شرکتی دارند، چنانچه اجازه نظارت فعال و دوره‌ای بر شرکت‌ها داشته باشند، با رسانه‌ای کردن جرائم شرکت‌ها و اطلاع‌رسانی در خصوص ممنوعیت مصرف کالاهای آسیب‌رسان و به‌کارگیری سازوکارهایی همچون دعوی گروهی برای ترغیب قربانیان به گزارش، امکان صلح و سازش و توافقات غیرقانونی و پنهانی میان شرکت‌های مجرم و نهادهای نظارتی

اجرائی را از بین برده و زمینه کشف جرم را برای نهادهای متصدی، فراهم می‌سازند. این سازمان‌های متکثر و متعدد، به مانند چشم مصرف‌کنندگان بوده و می‌توانند در تحقق اهدافی مانند کوچک‌سازی دولت‌ها، تعدیل قدرت شرکت‌های تجاری، توانمندسازی مصرف‌کنندگان، کارآمدسازی نظام اقتصادی و افزایش آگاهی‌های اجتماعی بسیار مؤثر باشند. براساس رویکرد اخیر، دیگر نظام عدالت کیفری، یگانه مرجع مسئول در حوزه پاسخگویی به جرائم شرکت‌های تجاری و حمایت از مصرف‌کنندگان نیست، بلکه در کنار نهادهای دولتی از ظرفیت‌های نهادهای جامعه‌ی نیز در این عرصه استمداد می‌شود.

در ایران انجمن‌های حمایت از مصرف‌کننده، جملگی زیر نظر دولت هستند، بنابراین نمی‌توان آنها را به‌عنوان یک نهاد جامعه‌ی مستقل به رسمیت شناخت. افزون‌بر این همین نهادهای وابسته به دولت فاقد اختیارات لازم و قدرت کافی برای حمایت از مصرف‌کنندگان هستند. به‌رغم پیش‌بینی حق اعتراض به آرا از سوی این سازمان‌ها در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، در اصلاحات شتاب‌زده این قانون در سال ۱۳۹۴ حق اعتراض مزبور در این ماده حذف شد. همچنین براساس بند «پ» ماده ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰، استفاده از حق مذکور در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴، منوط به اخذ مجوز از مراجع ذی‌صلاح قانونی است. اگرچه این اصلاحات، سبب محروم شدن انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد فعال از بسیاری از حقوق مرتبط با دادرسی و نیز ایفای نقش آنها به‌عنوان شاکی برای طرح دعوا شد، ولی سبب ایجاد حق حضور فعال برای این سازمان‌ها در جلسات دادرسی و تقدیم لوایح و نیز جمع‌آوری دلایل و مدارک علیه شرکت‌های تجاری که نوعی حق نظارت بر فرایند تعقیب، تحقیق و رسیدگی تلقی می‌شود، شد.

۳.۳. تقویت انسجام و روزآمد ساختن وظایف نهادهای نظارتی و تعامل آنها با نظام عدالت کیفری
تدوین سازوکارهای هم‌افزایی نهادهای نظارتی از رهگذر تجمیع نهادهای موازی در یک نهاد، تنظیم آیین‌نامه‌های شفاف به‌منظور مشخص کردن وظایف نهادهای نظارتی که موجب اجتناب از موازی‌کاری شود و طراحی سامانه‌های برخط (آنلاین) به‌منظور درج مشخصات کامل محصولات و اعلان محصولات آسیب‌رسان به مصرف‌کنندگان از سوی نهادهای نظارتی، به‌نحوی که به‌سادگی قابل ره‌گیری باشند، می‌تواند به بهبود عملکرد نهادهای نظارتی کمک کند. تعامل و هماهنگی نهادهای نظارتی، بیش از هر چیز در حوزه کشف جرائم شرکتی علیه حقوق مصرف‌کننده اثرگذار است، زیرا کشف این قبیل جرائم صرفاً منوط به اقدام نظام عدالت کیفری نیست، بلکه نظارت نهادهای مختلف بر عملکرد شرکت‌ها، مستلزم تعامل همه‌جانبه نهادهایی همچون وزارت بهداشت

درمان آموزش پزشکی، سازمان ملی استاندارد، سازمان غذا و دارو، سازمان حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و سازمان بازرسی کل کشور است.

گاه اخلال در فرایند کشف جرم نتیجه چرخه معیوب نظام عدالت کیفری و عدم برخورداری از سازوکار صحیح و همچنین فقدان همکاری و هماهنگی نظام عدالت کیفری با نهادهای نظارتی است. یکی از این نمونه‌ها لزوم دستور مقام قضایی به منظور رسیدگی به شکایات مصرف‌کنندگان در واحدهای نظارتی است. براساس اظهارات کارشناس حقوقی سازمان غذا و داروی کرمانشاه: «چنانچه یکی از مصرف‌کنندگان با مراجعه به سازمان‌هایی مانند پزشکی قانونی، سازمان نظام پزشکی، سازمان غذا و دارو و... مدعی ورود آسیب از ناحیه یک محصول غذایی یا دارویی یا بهداشتی شده و خواهان آزمایش و بررسی محصول گردد، مادامی که از مرجع قضایی دستور بررسی صادر نشود، امکان رسیدگی برای نهادهای نظارتی وجود ندارد». این در حالی است که طی فرایند شکایت و اخذ دستور قضایی، مستلزم صرف زمانی نسبتاً طولانی است که ممکن است سبب امحای آثار و دلایل جرم شود. بنابراین ضروری است که در این عرصه نیز مانند سایر عرصه‌های حقوق که هر جا خواسته در معرض تضییع قرار می‌گیرد، با اتخاذ تدابیری مانند درخواست تأمین دلیل، نسبت به حفظ دلایل، اقدام‌های لازم انجام می‌گیرد، با صرف نظر کردن از تشریفات اداری زمان‌بر و چابک ساختن نهادها، هر اندازه که مقدور باشد، در مسیر تسهیل فرایند کشف این جرائم گام برداشت.

روزآمدسازی سامانه‌های نظارتی و قابلیت ره‌گیری و اصالت‌سنجی اطلاعات مرتبط با هویت شرکت‌ها و اصالت محصولات، می‌تواند نقش بسزایی در افشای فعالیت غیرقانونی شرکت‌ها و جلوگیری از رفتارهای زیانبار آنها داشته باشد (Binnie Justice Ian, 2016: 146). در حال حاضر می‌توان با ارتقای کارایی سامانه شناسه ملی اشخاص حقوقی^۱ و شمول درج موارد در حوزه‌های تخطی آنان در این سامانه، امکان آگاهی از جرائم و تخلفات ارتكابی و هرگونه رفتار خطرناک از سوی شرکت‌ها تجاری، همچون تولید کالاهای مضر به سلامت مصرف‌کنندگان یا عدم رعایت موارد ایمنی و استاندارد در تولید محصولات، برای مراجع مختلف و سازمان‌های دولتی و غیردولتی حمایت‌کننده از بزه‌دیدگان، همچون سازمان حمایت از مصرف‌کننده یا سازمان‌های مردم‌نهاد و انجمن‌های حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان فراهم شود (پارسایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱). این رویکرد با رهیافت‌های جرم‌شناسی پیشگیرانه و تدابیر پیشگیرانه وضعی نیز همخوانی دارد و از طریق آن می‌توان با افزایش خطر ارتكاب جرم، اطلاع‌رسانی برخاسته از آن را نیز با رهیافت‌های پیشگیری اجتماع‌مدار همسو دانست. در راستای تقویت عملی این اصالت‌سنجی، می‌توان ارتباط

بازرسان استاندارد و دیگر بازرسان را تقویت کرد و اطلاعات لازم و کارشناسی‌شده را از آنها دریافت و مستمسک اصالت‌سنجی قرار داد.

نتیجه

ظرفیت بالای شرکت‌های تجاری در ارتکاب رفتارهای مجرمانه به‌صورت پنهانی و با ظاهری موجه از یک‌سو و وسعت مصرف‌کنندگانی که از رهگذر استفاده از کالا و خدمات غیراستاندارد، متحمل آسیب‌های جسمی و مالی می‌شوند، از سوی دیگر، ضرورت مقابله با این دسته از جرائم و تلاش برای افشای آنها را دوچندان ساخته است. شفاف نبودن فعالیت شرکت‌ها و ضعف سامانه‌های نظارتی هوشمند، وجود نهادهای نظارتی متعدد و موازی، قدرت اقتصادی شرکت‌ها و دولتی بودن بیشتر آنها، موانع جدی در مسیر کشف این دسته از جرائم محسوب می‌شوند. از جمله اقدام‌های مؤثر در تسهیل فرایند کشف و تعدیل قدرت شرکت‌ها، شفاف‌سازی نحوه فعالیت آنها و طراحی نظام کنترل هوشمند است. یک نظام بهینه برای کنترل فرایند تولید و توزیع کالا و خدمات، نظامی است که از قالب و محتوای کامل برخوردار باشد. چنین نظامی به‌مثابه استوانه شیشه‌ای است که تمامی فعالیت‌های شرکت‌ها از مرحله اخذ مجوز تا شروع به فعالیت تجاری در راستای تولید و توزیع و واردات محصولات، از ابتدای استوانه وارد می‌شوند و در انتهای آن در دسترس مصرف‌کنندگان قرار می‌گیرد. نظر به عدم موازنه قدرت میان مصرف‌کنندگان و شرکت‌های تجاری در مراحل دادرسی، می‌بایست تدابیر کنشی و پیشگیرانه، نسبت به اقدام‌های واکنشی در اولویت سازمان‌های نظارتی و قضایی قرار گیرد. با لحاظ این مسئله که در نظام حقوقی ایران، ایجاد زیرساخت‌های لازم برای اتخاذ تدابیر پیشگیرانه بسیار زمان‌بر است، مقتضی است که ضمن توجه به حمایت‌های کیفری، حقوقی - جبرانی، بستر اعمال حمایت‌های پیشگیرانه از رهگذر مشارکت نهادهای مردمی و روزآمد ساختن نهادهای بازرسی و نظارتی فراهم شود. از دیگر مواردی که می‌تواند موجبات تقویت ابزارهای نظارتی و تصویب قوانین کارآمد و متناسب با نحوه فعالیت شرکت‌های تجاری را فراهم آورد، ارزیابی طرح‌ها و سیاست‌های گذشته است. غالب سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های نوینی که در کشور صورت می‌گیرد، عاری از توجه به نتایج طرح‌ها و تجارب قبلی و تلاش برای جبران اشتباهات پیشین است. علت این مسئله را می‌توان در فقدان اهمیت ارزیابی تأثیرات^۱ و نتایج طرح‌های اجراشده و نیز عدم مدیریت طرح‌های ارزیابی، برای سنجش میزان کارایی سیاست‌های مورد استفاده دانست. ادبیات توسعه در جوامع پیشرفته به رویکردهای پایین به بالا روی آورده و براساس تصمیماتی که مبتنی بر شواهد میدانی بوده و از جامعه هدف

استخراج شده است، سیاست‌های جدید پردازش می‌شوند. بدین‌سان ارزیابی میدانی تأثیرات سیاست‌ها و برنامه‌های سابق در یک چرخه، به تولید علم پویا منتهی می‌شود و زمینه تعالی تصمیم‌گیری‌های آتی را فراهم می‌آورد. تصمیم‌گیری بر مبنای شواهد تجربی یا سیاستگذاری تجربه‌محور^۱ اقتضا دارد که سیاست‌ها در میدان تجربه، ارزیابی و آزمایش شده و نتایج بررسی شود. با رعایت این موارد می‌توان بستر تدوین نظام سیاستگذاری منسجم در خصوص افشا و مبارزه با جرائم شرکت‌های تجاری علیه مصرف‌کنندگان را فراهم آورد.

منابع

الف) فارسی

۱. ابراهیم‌وند، حسام؛ حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ فرجیها، محمد (۱۳۹۹). «حمایت کیفری از زنجیره تأمین اقلام دارویی در حقوق ایران»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال چهاردهم، ش ۵۲، ص ۱۶۱-۱۱۸.
۲. ابراهیمی، پیمان (۱۳۸۴). «بزه‌دیده به‌منزله شاکي و حقوق او در مقررات دادرسی کیفری ایران»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۲ و ۵۳، ص ۳۲۴-۲۸۷.
۳. انصاری، ولی‌الله (۱۳۹۶). حقوق تحقیقات جنایی، ج سوم، تهران: سمت.
۴. آقایی، امین (۱۳۹۶). حمایت از منافع عمومی در نظام تعقیب کیفری ایران، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده حقوق.
۵. پارسایی، افشین؛ سایبانی، علیرضا؛ رهگشا، امیرحسین (۱۴۰۰). «سازوکارهای حمایت از بزه‌دیدگان در برابر جرائم سازمان‌یافته اشخاص حقوقی»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال دوازدهم، ش ۱، ص ۲۶-۷.
۶. تقوی، عباس؛ سلیمی، صادق؛ جمشیدی، علیرضا (۱۳۹۸). «سیاست جنایی تقنینی ایران در رابطه با نقش پلیس در جرائم اقتصادی»، فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ش ۳، ص ۱۱۲-۹۵.
۷. جمشیدی، علیرضا (۱۳۹۵). سیاست جنایی مشارکتی، ج دوم، تهران: میزان.
۸. حسینی، سید محمد؛ فورچی بیگی، مجید (۱۳۹۴). «تحلیل بزه‌دیدشناسی جرائم یقه سفیدها»، مجله پژوهش حقوق کیفری، ش ۱۰، ص ۴۰-۹.
۹. رستمی، هادی (۱۳۹۷). «ماهیت و آثار جرائم اقتصادی در قوانین کیفری ایران»، سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی (مجموعه مقالات)، به کوشش امیرحسین نیازپور، تهران: میزان.
۱۰. گسن، رمون (۱۳۹۲). جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی، ترجمه شهرام ابراهیمی، ج پنجم، تهران: میزان.
۱۱. لازرژ، کریستین، (۱۴۰۰). درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، ج نهم، تهران: میزان.
۱۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۷). «سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی»، سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی (مجموعه مقالات)، به کوشش امیرحسین نیازپور، ج اول، تهران: میزان.

(ب) انگلیسی

13. Alvesalo-Kuusi, Anne, Barak, Gregg (2020). "The Inaugural Issue of the Journal of White Collar and Corporate Crime", *Journal of White Collar and Corporate Crime*, Vol 1, pp. 60 - 85
14. Aneel Sagar (2019). "The Concept of White-Collar Crime: Nature, Causes, Political and Legal Aspects in Accountability and Way Forward", *Journal of Political Studies*, Vol. 26, Issue - 1, pp. 162 - 185
15. April Wall - Parker (2020). "Measuring White Collar Crime", in *The Handbook of White - Collar Crime*, Wiley Handbooks in Criminology and Criminal Justice
16. Binnie Justice Ian et Al. (2016), "The corporate crimes principles: advancing investigations and prosecutions in human rights cases", *International & The International Corporate Accountability Roundtabl*, pp. 125 - 152.
17. Bryan A. and Henry Campbell Black (2009). *Economic crime*, in kadish, Sanford H. Encyclopedia of crime and justice, New York: free press
18. Coleman, K, 2008, *Controlling Corporate Crime: An Analysis of Deterrence Versus Compliance*, Northwestern Interdisciplinary Law Review
19. Daniel Laufer a, W. Timothy Coombs (2006). "How should a company respond to a product harm crisis? The role of corporate reputation and consumer-based cues", *Business Horizons*, Vol 49, pp. 385 -410
20. David M. Uhlmann (2016). "The Pendulum Swings: Reconsidering Corporate Criminal Prosecution", University of California, Davis, Vol. 49, pp. 57 -83
21. Diamantis, Mihailis E. & William S. Laufer (2019). *prosecution and Punishment Corporate criminality*, Published as 15 ANN. REV. L. & SOC. SCI. 453
22. Egels-Zandén, Niklas (2016). "Supply chain transparency as a consumer or corporate tool: The case of Nudie Jeans Co", *Journal of Consumer Policy*, pp. 1 - 28
23. Financial Conduct Authority (2019). *Business Plan*.
24. Galvin, Miranda A. Loughran, Thomas A. Simpson, Sally S. Cohen, Mark A, (2018). "Victim Compensation Policy and White-Collar Crime": *Public Preferences in a National Willingness-to-Pay Survey*, Criminology and Public Policy, Vol. 17, pp. 187 -211.
25. Geetha A Rubasundram, (2015). "Tone from the top during a fraud risk assessment, 7th international conference on financial criminology, pp. 20 -65.
26. Hazel, Croall (2008). "White collar crime, consumers and victimization", Vol. Crime, Law and Social Change, pp. 11 -42.
27. Koopman, Christopher& Mitchell, Matthew& Thierer, Adam (2015). "The Sharing Economy and Consumer Protection Regulation: The Case for Policy Change", *The Journal of Business, Entrepreneurship & the Law*, Vol. 8, pp. 120 -145.
28. Lukas Brenner, Tobias Meyll, Oscar Stolper, Andreas Walter (2020). "Consumer fraud victimization and financial well-being", *journal of Economic Psychology*, Vol. 76, pp. 320 - 356.
29. Lund, Dorothy S, Sarin, Natasha (2020). "The Cost of Doing Business: Corporate Crime and Punishment Post-Crisis", *SSRN Electronic Journal*, pp. 35 -61.
30. Mary Kreiner Ramirez (2010). "Prioritizing Justice: Combating Corporate Crime frm Task Force to Top Priority", *Marq. L. Rev*, Vol 19, pp. 93 - 134.
31. Peter, can. Leighton, Mcdonald (2017). *Principles of administrative law*, Edition: 2, 13, Publisher, oxford university Press Australia.
32. Ronald G. Burns and Michele Bisaccia Meitl (2020). "Prosecution, Defense, and Sentencing of White-Collar Crime", in *The Handbook of White - Collar Crime*, Wiley Handbooks in Criminology and Criminal Justice.
33. Schwarcz, Daniel (2014). *Transparently Opaque: Understanding the Lack of Transparency in Insurance Consumer Protection*, 61 UCLA L.